

شهید محمد علی، از تبار آنانی که به ظلم و استبداد، نه ! گفتند.



محمد علی در زندان

نصیرمهرین

برای برخی از انسانها، ستیز با روزگار مشقت بار و عاملین جفاهای سترگ، در کمال آگاهی از دشواری ها پذیرفته شده است. برای آنها، جان باختن آگاهانه با پذیرا شدن گلوله های آتشین در سینه ها مسلم بوده است. زیرا به تحمل جفاها، نه تنها رضایت نداشته اند، که خواستگاه عدالت جویی نمی توانسته است آن بیدادگری را تحمل نماید.

از سوی دیگر، بیدادگران سنت استبداد تاریخی را چنان رعایت نموده اند، که با ستمگری و حکومت مستبدانه ایشان هم قافیه باشد. از ورای رویداد های تلخی که تاریخ کشور ما دیده است، شکنجه و آزار مخالفان عقیده یی و فکری و سیاسی، چون خزانه یی از کارکردهای استبداد تاریخی انباشته شده است. خزانه یی که معرف اندیشه ها و باورداشت های اداره نظام هریک از آنها است.

از زمانه های قدیم تا گذر از معبر استبداد غزنویان . . . و امیر عبدالرحمان خان و فرزندش تا دوران پادشاهی محمد نادر خان و صدارت های شاهانه سردار هاشم خان و سردار داوود خان، و خپ ها، این ستمگری و زندان و اعدام با حکومت مستبدانه همراهی و هم قافیه گی خویش را از دست نداده است. آزار و کشتاری که پس از آن نیز با چهره زشت دیگری آن سنت را رعایت نمود، هر کدام مهر و نشان استبداد را در جبین داشته اند. شیوه مردم آزاری تاریخی، همواره با تجدید ابزار و الفاظ کوشیده است این بار امانت و میراث نظام های خود کامه را حمل کند. میراث آزار و کشتار دگراندیشان و میراث و ادار سازی انسانها به یکسان اندیشی با تمام خفت و خواری و ملزومات کشتار آمیز و مخالفت برانگیزان .

گاهی که نبشته های از مقصران جفاهای سترگ چند دهه پسین را میخوانیم، می بینیم که حاضر نیستند نگاهی به سوی سرچشمه های خونریزانه و دست های خون آمیز خویش نمایند، و یا لحظه یی سر درگریان فرو ببرند. زیرا این سر درگریان فرو بردن که چندان هم دشوار نیست، پیش زمینه آمادگی فرهنگی را نیز مطالبه میکند. اما چنان مینماید که سنگینی بار مسئولیت و نبود چنان فرهنگی، مانع آن سر درگریان بردن ها و اندیشیدن ها شده است. ازینرواست که بجای آن اندیشیدن به سیاست های خونریزانه، انکار از جفاهای مرتکب شده در حق مردم مانند ردیفی در نبشته های آنها جای یافته است.

اما با حافظه جمعی مردم چه باید کرد و به آن چه جوابی میشود داد؟ حافظه بی که اعمال جابرانه و ستمکاری های مولود آنرا با خط درشتی در سینه جای داده و فراموشی نمی پذیرد. سند و مدرک و گواه نیز کم ندارد.

اینک که از چندین سال بدینسو، عده بی با همان سرسرگردان و دست رنگین از خون، با توجیه نویسی ها، عزم ستیز با حافظه تاریخی و جمعی مردم را در پیش گرفته اند، حافظه تاریخی نیز مدارک و شاهدان خویش را پیش میاورد. و ما ناظر هستیم که بسا از تن های نازنین و آماده برای قربانی، به درخواست ننگ آمیزی که نظام استبداد بر مردم و کشور ما سعی و کوشش تحمیل آن را داشت، نـه گفته اند. نه!، بدلیل جفا آمیزی و هم جوشی نظامی مستبد که با استبداد مضاعف نیروی مهاجم و خونریز پیوند حیات و ممات داشت. و در بهای این نه گفتن خوب میدانستند که سر سبز خویش را بر باد میدهند. به رغم همه تلاشهایی که در برابر حافظه تاریخی بکار میبرند، هر چند گاهی، جمجمه و سندن و مدرکی سر بلند میاورد و از خروش و درد و آزار قربانیان استبداد سخن میگوید.

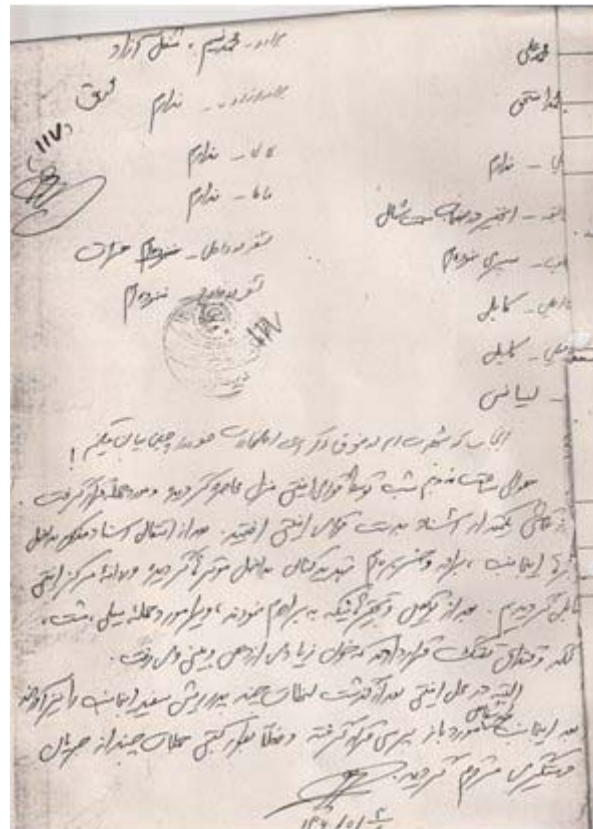
آنچه را در اینجا برگزیده ایم، اندکی از ستیز و آویز عقاب بلند پرواز است که در بند دژ خیمان و کارگزاران نهاد شکنجه گر خاد یا یکی از ملزومات نظام مستبدانه افتاده بود. اندکی از جریان "استنطاق" محمد علی را آورده ایم. انسانی که در برابر ستمگران رویا روی ایستاد و در دشوارترین لحظات زندگی خویش نیز ستمگری ها را به نکوهش کوبنده گرفت. او را سال بعد، (1361) با جمعی از یاران اش به اعدام گاه بردند. . .

این سند نه تنها مهر تایید بر حضور انسانهای بیشمار میزند که در گستره مبارزه با بیداری از مرگ نهرا سیده اند؛ بلکه تداوم اعمال شیوه های شناخته شده سده های میانه را که با انگیزاسیون یا تفتیش عقاید شهرت یافته است، نیز هنگام بازجویی ها بخوبی نشان میدهد. اما هنگام اعمال شیوه های مبنی بر تفتیش عقاید که خواستگاه خویش را از خدمت به نظام استبدادی و رهبردهای شوروی از میان رفته میگیرد، مینگریم که "مستنطقین" هر چند همان شکنجه گران و بازجویانی بوده اند که در پیشینه ها با نام "مستخرج" وزیر نظر "والی حرس" و "میر غضب باشی" ابفای وظیفه مینمودند؛ اما مانند دستگاه های پیشینه مطلقه آسیایی، بی خبر و نا دانسته از حقوق و کرامت انسانی نبوده اند. وابسته به نهادی بودند که بر روی کاغذی از اصول اساسی اش نوشته شده بود:

"مجازات مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعذیب مجاز نیست."

از آنجایی که مقصرین جفاها، حاضر نیستند، اعمال مخالف کرامت انسانی را در دور زمامداری خویش بپذیرند، میشود پذیرفت که معتقد به مجازات و شکنجه و تعذیب موافق کرامت انسانی! بوده اند. مجازاتی که نیاز خویش را از دموکراسی خنجر خیز و خونریز گرفته بود. . .

این سخنان دردآمیز از آن جهت نیز مطرح است تا جامعه ما بادیدن آن اعمال و نکوهیدن آنچه مستبدین در پیش گرفته بودند، در راه رعایت احترام به دگراندیش و مخالفت با شیوه های مبتنی بر آزار و شکنجه شاهد دستاوردی باشد.*



سند 1 صفحه 117 اوراق " تحقیق "

متن قلمی

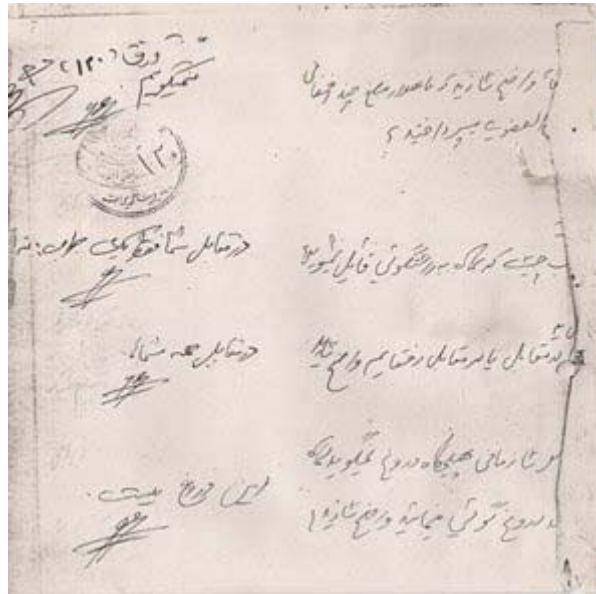
" اینجانب که شهرت ام در فوق ذکر است اظهارات خود را چنین بیان میکنم .

حوالی ساعت نه ونیم شب توسط قوای امنیتی منزل محاصره گردیده و مورد حمله قرار گرفت. در اثر تلاشی یکمقدار اسناد بدست قوای امنیتی افتید. بعد از انتقال اسناد مذکور بداخل موترها اینجانب، برادرم وخسریه ام تهدیدکنان بداخل موترها گردیده و روانه مرکز امنیتی کابل گردیدیم. بعد از توهین وتحقیر هائیکه به برادرم نمودند، ویرا مورد حمله سیلی، مشت، لگد وقنداق تفنگ قرار دادند که خون زیادی از دهن وبینی وی رفت .

البته در محل امنیتی بعد از گذشت لحظات چند پدر ریش سفید اینجانب را نیز آوردند. بعد اینجانب طور شفاهی مورد بازپرسی قرار گرفته و فعلاً بطور کتبی جملات چند از جریان دستگیری مرقوم گردید .

امضاً محمد علی

" 1360 / 5 / 4/3 "



سند 2 از ص 120 اوراق " تحقیق "

متن قلمی

سوال 1: لطفاً واضح سازید که ماهوار مبلغ چند افغانی حق الغضویت میپردازاختید؟

جواب: نمیگویم.

سوال 2: سبب چیست که شما به راستگویی قایل نمیشوید؟

جواب: در مقابل شما فقط یک جواب: نه

سوال 3: درمقابل یا درمقابل رفقایم واضح سازید.

جواب: در مقابل همه شما.

سوال 4: ... ** نفر سازمانی هیچگاه دروغ نمیگوید شما که حالا دروغ گویی مینمائید واضح سازید.

جواب: این دروغ نیست.

*- آنچه را دریالا دیدیم، دربرگیرنده اندکی از پرسش های "مستنطق" و پاسخ های شهید محمد علی مسؤول نشرات سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (1360 خورشیدی) است. با مطالعه نبشته یی از جناب رازق مأمون پیرامون شهید نادرعلی پویا در تارنمای وزین کابل پرس، برآن شدم که قسمت بالا را، بدلیل پیوند موضوعیت از متن در نظرداشته برای کارگسترده تری، حالا بگونه فشرده انتشار دهم. شایان یادآوری است که محکومیت استبداد حزب دموکراتیک خلق افغانستان را که در چهره آزار و شکنجه و اعدام شاهد بوده ایم، در برابر همه دگر اندیشان و همه آنانی که عقاید و باورداشت های دیگری داشته اند، درنظر آورد. آرزو میرود مدارک جدا افتاده یی که در اختیار اشخاص قرار دارند، و از نحوه "استنطاق"، شکنجه و آزارشخصیت ها و اعضای احزاب، سازمان ها و گروه های دیگری حکایت دردانگیز و عبرت دهنده دارند، درمجله های ویژه فراهم آیند.

** - کلمه ویا کلماتی از سوال مستنطق در اثرخراشیدگی صفحه خوانده نشد.

برگرفته از سایت زین کابل ناتپه

